وکیل شرق

کدام تساوی؟

سعید دهقان

علی سلیمانی: در روز ۲۷ خرداد مطلبی تحت عنوان «کارمزد از شوهر! کدام حمایت؟» در صفحه ۵ روزنامه شرق چاپ شد. درباره حقوق زن و مرد همان گونه که می دانید در عقدنامه و دفتر ثبت ازدواج حقوقی برای طرفین قائل شده اند که هر کدام از طرفین در هنگام مجادلات، از آن حقوق در دادگاه ها استفاده می کنند. مثلاً زن درخواست مهریه و نفقه خود را به دادگاه ارائه داده و مرد را تحت فشار گذاشته تا درخواست طلاق خود را به سرانجام برساند. از طرفی مرد نیز با اصرار بر ندادن طلاق و صحه گذاشتن بر ترک منزل از طرف زن، وی را تحت فشار قرار داده تا از حق نفقه و مهریه خود صرف نظر کند. تا جایی که هر دو با گذشتن از حقوق خود با طلاق موافقت می کنند و این کشمکش با جمله معروف «مهرم حلال، جانم آزاد» به سرانجام خود می رسد که همان طلاق است. از طرفی حق نفقه زن به دلیل نداشتن حق کار برای وی در نظر گرفته شده و حق مهر نیز به دلیل بهره مندی مرد از برخی حقوق دیگر. حال شما که خود را بدین صورت مدافع حقوق زنان می دانید، آیا تاکنون اندیشیده اید که در صورت موافقت مرد با داشتن حق طلاق و شغل بهتر نیست که هر دو از حقوق خود گذشت کنند تا از حقوق مساوی برخوردار شوند؟ و آیا این درست است که زن هم از حق طلاق برخوردار باشد، هم از حق مهریه؟ و آیا اگر زن بخواهد نمی تواند هم مهریه خود را به اجرا بگذارد - و حتی در شرایطی همسر خود را با حقوق [مسائل] کیفری مواجه کند - هم طلاق خود را از دادگاه بگیرد؟ آن وقت تکلیف آن مرد که تمام حقوق را به همسر خود داده است چه می شود!

وکیل شرق: بنده با کلیت نظر شما موافقم و حتی معتقدم که تمامی بحث های مناقشه انگیز در این زمینه، معلول پارادوکس زندگی مدرن و سنتی در میان زوج های جوان به ویژه زنان جوان است. این مطلب زمانی بغرنج می شود که ببینیم زنان جوانی که می خواهند مدرن زندگی کنند و حاضر نیستند مثل مادرانشان در منزل بمانند و آشپزی کنند و غیره (که البته حق هم به جانب این دسته از زنان تحصیلکرده است) در آن سوی میدان همان حقوقی را نظیر نفقه، مهریه و اجرت المثل می خواهند که اصلاً با منطق زنان مدرن هماهنگ به نظر نمی رسد و اتفاقاً مخصوص مادران و زنانی است که گفتم. (که ظاهراً در اینجا دیگر حق به جانب ایشان نیست). به عبارت دیگر هم تمامی حقوق سنتی خود را بی کم و کاست می خواهند و هم به تمامی وظایف مدرنشان بی کم و کاست ایراد می گیرند. اصل ۲۰ قانون اساسی نیز اگرچه تساوی حقوق زن و مرد را به رسمیت شناخته، اما اجرای آن را با رعایت موازین اسلام مجاز می داند و نه هر آنچه من و شما به زعم خودمان مساوات فرض می کنیم. اگرچه با استناد به قوانین و عرف موجود نیز تعیین مهریه سنگین از سوی زن در کنار اعطای حق طلاق از سوی مرد (با توجه به عندالمطالبه بودن مهریه برای زن) به هیچ وجه با عقلانیت و خرد جمعی هماهنگ نیست. با این حال و برخلاف نظر شما حق نفقه زن به دلیل نداشتن حق کار نیست؛ یعنی زن حتی اگر کار هم داشته باشد و حقوق خوبی هم دریافت کند باز هم نفقه یا خرجی منزل - مطابق قوانین و حتی عرف میان اغلب زنان مدرن جامعه ما - با مرد است! این همان پارادوکسی است که در ذره ذره عرف ما وجود دارد، اما به محض وقوع اختلاف، شدیداً قانون مدار می شویم و صرفاً به قانون نسبت می دهیم و یادمان می رود که در بسیاری دیگر از موارد به همین قانون ایراد وارد می کنیم که مدرن نیست و یا به توافق مدرن ما توجهی ندارد! جالب نیست؟**

Vakilroaya@gmail.com

علل اطاله رسیدگی به دعاوی

حسین محمد خانی
معاون قضایی رییس کل دادگاه های عمومی و انقلاب

تاخیر در کار در برخی از مواقع طبیعی، منطقی و توجیه پذیر است. زیرا وقتی دادرسی در بستر و زمان خاص انجام شود طبیعی و مطلوب است، حساسیتی برنمی انگیزد و ایجاد شبهه نمی کند. اما به طور کلی اکثر تاخیرها در فرآیند رسیدگی غیرمنطقی است و به هیچ وجه قابل توجیه و تفسیر نیست. این اطاله پیامدهایی برای تشکیلات پدید می آورد که به لحاظ ارزشی و حیثیتی و هزینه قابل جبران نبوده و از نظر بعد اخلاقی نیز یک امر نکوهیده است که به تدریج به صورت عادت پسندیده درمی آید و نهادینه می شود. اطاله فرآیند مستمر و شناوری است که به طور دائم باید عوامل ریشه ای آن شناسایی و راهکارهای عملی آن ارائه شود در حالی که ادارات دیگر به سوی دولت الکترونیک به پیش می تازند و گام های بلندی در این رابطه برداشته اند، هنوز ما در سیستم اداری از روش های سنتی و امکانات اولیه استفاده می کنیم که این امر با مدیریت و کاهش زمان دادرسی ها منافات دارد. باید سیستمی یکپارچه در فرآیند دادرسی و اداری فراهم شود. ایجاد تشکیلات الکترونیک چهار پایه اصلی دارد: اول فناوری و سخت افزار، دوم مدیریت و مهندسی، سوم نرم افزار و چهارم زیرساخت های اقتصادی و مهندسی مالی.

■ **چالش های پنهان**

این یکی از چالش های پنهان و مستمر تشکیلات ماست. سرمایه گذاری اولیه در این زمینه سنگین است اما این نوع سرمایه گذاری از نوع سرمایه گذاری دیربازده نبوده و به سرعت نتیجه و سرمایه اصلی را بازمی گرداند. یکی از کمبودهای ما زیرساخت های اداری تشکیلات است که به صورت سنتی لنگان لنگان با اطاله دادرسی همراه است. در شهر بزرگی چون تهران ایجاد شبکه الکترونیکی یک ضرورت محسوب می شود. وقتی ساختار اداری به روز نیست نمی توان خدمات روزانه از آن انتظار داشت. یک پرونده به روش سنتی از بدو تشکیل تا زمان صدور رای فرآیندهای گوناگون را سپری می کند که اگر در هر فرآیند پرونده به چالش کشیده شود و دچار نقص شود قطعاً نتیجه ای جز اطاله در امر دادسی در پی نخواهد داشت و زمان زیادی را به خود اختصاص می دهد. این فرآیندها عبارتند از: ۱- فرآیند تنظیم دادخواست یا شکوائیه:

الف- تنظیم توسط خواهان ها یا شاکیان

ب- عریضه نویس ها پ- وکلای خواهان ها ۲- کلانتری ها ۳- واحد ارشاد و معاضدت قضایی ۴- کادر دفتری ۵- رئیس دادگاه ۶- منشی ۷- کارشناس ۸- استعلام از دوایر دولتی ۹- واحد ابلاغ ۱۰- عوامل متفرقه

بسیاری از دادخواست ها را می توان در مراحل مختلف بررسی و رفع نقص نمود. در هر یک از مراحل نواقص آن را مرتفع ساخت که فرآیند رسیدگی کوتاه تر شود. زیربنایی ترین فرآیند در همان مراحل اولیه تشکیل پرونده است که در اختیار عریضه نویس های بی تجربه و بی دانش و بی ضابطه و خودرو- که چون قارچ هر روز از جایی سربرمی آورند و خشت اول بنای دادرسی را می نهند که به مصداق شعر معروف خشت اول چون نهاد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج؛ پیشنهاد می شود واحد عریضه نویسی به کارکنان خوش نام بازنشسته دادگستری به طریقه ضابطه مند واگذار یا از افراد با دانش و تجربه و آموزش دیده به طریق ضابطه مندی بهره برداری شود. ارجاع های بی حد و حصر به محاکم، تراکم و کثرت کار، پرونده های محوله گاه و بی گاه به قاضی و عدم رعایت تخصص قاضی در ارجاع پرونده ها به وی موجب کاهش در کیفیت و کمیت و نیز کاهش در سرعت رسیدگی می شود. عدم تسلط قاضی به محتویات پرونده و محدودیت زمانی مطالعه پرونده و عدم تناسب پرونده ها به شعب از طرف مسئول ارجاع باعث کندی کار شده است. پیشنهاد می شود پست کارشناسی جهت مطالعه و آماده سازی پرونده قبل از رسیدگی در نظر گرفته شود. با پیشرفت علم و دانش، مجرمین پیچیده تر و حرفه ای تر شده اند. در نتیجه جرایم از شکل خشونت و برانگیختن احساسات مردم به شکل خدعه و نیرنگ از قبیل کلاهبرداری و جعل اسناد تبدیل شده است. از این رو جرایم جدید سازمان یافته، باسبق تصمیم و برنامه ریزی شده در آینده بیشتر پدید می آید که در گذشته سابقه نداشته است. به همین دلیل آرامش و امنیت جامعه را با خطر جدی مواجه می سازد. اگر درباره علل پدیدآورنده جرایم از سوی برنامه نویسان و تصمیم سازان کشور چاره اندیشی نشود پدیده جرم که معلول است تکرار خواهد شد.

■ **عدم مهارت و پنهان کاری**

عدم مهارت و دانش و تجربه در انجام کار چه درباره قضات و چه کارکنان اداری موجب اطاله در کارها می شود و چون برخی از ترس اینکه کارشان را نتوانند به درستی در زمان مقرر انجام دهند کارشان را عقب می اندازند و به دنبال فرصتی دیگر می روند که با توجه به کارهای روزانه و حجم ورودی پرونده ها آن فرصت خیالی دیگر در دسترس قرار نخواهد گرفت. گروهی به دلیل اینکه نمی خواهند خود را تحت فشار قرار دهند کار را به فرصتی دیگر می سپارند و با بی حالی و بی رمقی مانع انجام کار عقب افتاده می شوند. این گروه می گویند ما اکنون نمی توانیم کارمان را انجام دهیم و با تاخیر و فکر کردن می توانیم راه درست آن را پیدا کنیم. چون معتقدند کسی به آنها اهمیت نمی دهد که من این کار را انجام بدهم یا نه. پس من آن را کنار می گذارم بعضی به عمد کار خود را به تعویق می اندازند و می گویند دنیا به آخر نرسیده! عده ای هم انجام کار را به تاخیر می اندازند چون معتقدند که کسی آنها را نخواهد دید و توبیخ نیز نمی شوند. اگر ما به صورت علمی و تجربی اطاله دادرسی را بررسی کنیم، خواهیم دید که آنچه ما می پنداشتیم که «تنها عنصر اطاله دادرسی قاضی است» این برداشت صحیح نیست و به آسانی درمی یابیم که فقط زاییده خیال ما بوده است. گاهی در تحلیل های خود واقع بینی را کنار گذاشته و پیچیدگی های دادرسی را نمی بینیم و به صورت سطحی کاوش می کنیم. اگر وظیفه ما رفع اطاله دادرسی است بهتر آن است که واقع بین باشیم، میل و انگیزه افزایش دانش و تجربه در کارکنان پدید آوریم و بسترهای دادرسی منصفانه را فراهم کنیم تا برای کار مطلوب و بهنگام آنها را مهیا و بسیج کنیم.

■ **کیفیت آرای قضایی**

به دلیل آمارگرایی، کمبود نیروی انسانی، فقدان روش ارزیابی کیفیت آرای قضایی، حجم بالای پرونده ها و عدم توجه کافی مسئولان به آرای مستدل و فقدان واحد مشاوره قضات و کارمندان، آرای صادره از کیفیت مطلوب برخوردار نیست. پیشنهاد می شود از قضات بازنشسته به عنوان واحد ارشاد قضایی قضات و از کارمندان بازنشسته واحد ارشاد کارکنان تشکیل گردد و حقوق آنان از طریق تشکیلات قضایی پرداخت شود. همچنان که به علت عدم دسترسی قضات و کارمندان به قوانین و مقررات و فقدان اطلاع رسانی هم زمان و بهنگام در سراسر کشور، پیشنهاد می شود کتابخانه مجهزی در هر واحد قضایی تاسیس شود.

■ **نظارت و بازرسی و کاهش انگیزه**

فقدان نظارت و بازرسی مستمر به دلیل کمبود نیروی انسانی آموزش دیده، فقدان وحدت رویه و یک بعدی بودن گزارش ها و کم توجهی به عملکرد مثبت بازرسی به منظور مچ گیری کار را به سامان نمی رساند. کاهش انگیزه قضات و کارکنان به علت عدم توجه به تخصص و تبحر و علاقه قاضی در رسیدگی به پرونده ها، عدم توجه به سابقه و تخصص و سلامت کاری کارکنان و تناسب بین حقوق کارکنان اداری باسابقه طولانی و کارکنان تازه وارد و فقدان نظام شایسته سالاری در انتصاب ها و اعطای پست ها، از عوامل ناهنجاری در امور است. پیشنهاد می شود در ارجاع پرونده ها موارد فوق لحاظ و تعیین حقوق کارکنان اداری به صورت کارکنان شبه قضایی و اداری تعیین شود.

■ **ابلاغ اوراق قضایی**

امر ابلاغ در این چند سال گذشته با فراز و نشیب های زیادی مواجه بود که اثرات تخریبی آن بر دستگاه قضایی و مردم قابل توجه بوده و باید فکر و چاره کارشناسانه ای در این باره اندیشیده شود: اولاً باید فرآیند ابلاغ را در امر دادرسی ضروری، جدی و حیاتی شمرد. ثانیاً تا معیشت پرسنل ابلاغ و حل و فصل نشود معضل همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند. زیرا این گروه بیشتر با مردم و وکلا سروکار دارند ممکن است در معرض وسوسه باشند، بنابراین ضریب امنیت کار آنها را باید به هر شکلی بالا برد.

آثار منفی اصلاح قانون مدنی در بحث تابعیت

منیژه دانای علمی*

امروز با اصلاحات مربوط به بندهای ۴ و ۵ و ۶ ماده ۹۷۶ و الحاق یک تبصره بدان ضربه کاری دیگری بر پیکره این بخش از قانون مدنی ایران وارد می شود. در اینجا در مقام نقد نیستم که گوش شنوا کمتر است و لیکن بر آن هستم واقعه ای را که در لباس اصلاحات تخریبی دیگر در نظام حقوقی کشورمان صورت دهد گوشزد کنم و خاطرنشان سازم که این اصلاحات ناصحیح در جهت منافع ملی کشورمان نیست. آیندگان یقیناً نقد جدی وارد کرده و در این مورد خواهند پرسید چرا به جای اصلاح ماده ۹۷۶ قانون مدنی و اعطای تابعیت به فرزندان زن ایرانی که با فرد خارجی ازدواج کرده است و امروزه غرض بیشتر این فرد خارجی تبعه کشور افغانستان است و یا اعطای تابعیت به فرزندان زن و مرد خارجی که در ایران مقیم هستند مفاد مواد ۹۷۹ و ۹۸۵ قانون مدنی ایران را که درخصوص تحصیل تابعیت است اجرا نکرده ایم. خصوصاً که ماده ۹۸۵ از موارد تسهیل کننده تحصیل تابعیت را ازدواج یک مرد خارجی با زن ایرانی بیان کرده است. برخلاف آنچه که آقای دکتر نعمت احمدی در مقاله خویش آورده اند این اصلاحات در جهت رفع مشکل زنان ایرانی که به نحو شرعی با فرد خارجی ازدواج کرده است نیست بلکه ازدواج آنها باید طبق ماده ۱۰۶ قانون مدنی ایران و پس از کسب مجوزهای مربوطه انجام شود و لاغیر و در مواردی که زن به رغم دستور ماده فوق با مردی با تابعیت خارجی ازدواج کند مشمول این قانون نخواهد بود. لذا فلسفه ای که به نظر بعضی از حقوقدانان با عواطف و احساسات بشری انطباق دارد نیز حامی این اصلاحات نخواهد بود. و در نتیجه ما با وضعیت حقوقی دوگانه ای نسبت به اطفال این و یا آن دسته از زنان مواجه خواهیم شد. به علاوه اعطای تابعیت دیگر غیر از تابعیت پدر و یا مادر طفل طبق اصلاحات ۴ و ۵ ماده ۹۸۷ بحث تعارض تابعیت را مابین فرزند و پدر و مادر مطرح می سازد و باید از خود پرسید که وضعیت حقوقی این افراد در مواردی همچون ارث و دیگر احوال شخصیه چه خواهد شد. آیا اصل ۱۰ قانون اساسی ایران که در جهت تحکیم خانواده است ملحوظ نظر نشد؟ آیا در خصوص اعطای تابعیت به فرزند از مادر ایرانی، ما در مقام دنباله روی از نظام بعضی از کشورها همچون فرانسه هستیم؟ تعارض این موارد را با بحث حاکمیت و ریاست مرد بر خانواده چه کنیم؟ دیوان بین المللی دادگستری در قضیه «nottebohmll» به درستی اعلام کرده که کسب تابعیت را نباید سرسری تلقی کرد. تقاضای تابعیت و کسب آن از اعمال روزمره در زندگی فرد نیست زیرا تغییر تابعیت محمول بر قطع یک علقه و برقراری علقه دیگری و چنین عملی متضمن نتایج عمیق و آثاری دامنه دار در زندگی شخص است. حقوقدانان بر این نظر اضافه می کنند که امر تابعیت امری سیاسی و معنوی است و همان طور که دیوان بین المللی دادگستری اعلام کرده است دارای آثاری چه در حقوق بین الملل خصوصی و چه در حقوق عمومی است و تکالیفی بر عهده دولت قرار می دهد. بر این اساس است که باید اعطای آن را در مواردی محدود کرد که مصالح ملی اقتصادی و سیاسی کشور اقتضا دارد و لاغیر.

* وکیل پایه یک دادگستری

خبرها

ابلاغ دستورالعمل اجرایی تشکیل مجتمع قضایی امور اقتصادی

شرق: آیت الله هاشمی شاهرودی دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی امور اقتصادی با هدف رسیدگی به پرونده های کلان اقتصادی را برای اجرا صادر کرد. در ماده یک این دستورالعمل اجرایی آمده است به منظور اجرایی کردن فرمان مقام معظم رهبری و حمایت از سرمایه گذاری سالم، پیشگیری از بروز فساد، تعقیب، تحقیق، رسیدگی، صدور حکم و اجرای احکام در جرایم ویژه اقتصادی مجتمع قضایی با عنوان «مجتمع قضایی امور اقتصادی» تشکیل می شود. در ماده هفتم این دستورالعمل تصریح شده است: «به منظور حمایت از سرمایه گذاری سالم و پیشگیری و کشف مفاسد اقتصادی، دفتری در این مجتمع تحت عنوان «دفتر حمایت از سرمایه گذاری و پیشگیری از مفاسد اقتصادی» تشکیل می شود.» این دفتر با استفاده از کارشناسی های علمی و هماهنگی با نهادها و دستگاه های ذی ربط در چارچوب سیاست های مصوب در ستاد عالی مبارزه با مفاسد اقتصادی و در راستای برقراری امنیت سرمایه گذاری و حمایت از آن فعالیت خواهد کرد. ماده ۱۰ دستورالعمل اجرایی رئیس قوه قضائیه صراحت دارد که کلیه نهادهای کاشف جرایم اقتصادی اعم از سازمان بازرسی کل کشور، وزارت اطلاعات، دیوان محاسبات و سایر نهادهای مربوطه و ضابطین قضایی، پرونده های جرایم کلان اقتصادی را جهت رسیدگی به این مجتمع ارسال می کنند. پرونده های مورد رسیدگی در مجتمع قضایی امور اقتصادی عبارت از جرایم اقتصادی کلان با حدنصاب ۱۰ میلیارد ریال و بیشتر از آن است که توسط کارکنان دولت یا با کمک آنان از اموال عمومی یا دولتی مورد سوءاستفاده قرار می گیرد.

رئیس کانون وکلا: همه متهمان حق دفاع دارند

ایسنا: رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز گفت: آنچه مسلم است عدم حضور وکیل در مرحله تحقیق باعث می شود از یک سو حقوق متهمان تضعیف و از دیگر سو اعتبار تشکیلات قضایی مخدوش شود. بهمن کشاورز درباره اقدامات کانون وکلا در مورد حضور وکیل در مراحل تحقیقات مقدماتی و تلاش برای حذف ممنوعیت از حضور وکلا در این مرحله، اظهار داشت: «مشکل تنها تبصره قانون نیست زیرا با تصویب بند ۳ قانون حقوق شهروندی می شد حضور وکیل در مرحله تحقیق الزامی تلقی شود و به این ترتیب قسمت مهمی از حقوق معوق مانده شهروندی استیفا شود اما متاسفانه دو ماه بعد از تصویب این قانون، قانون برنامه چهارم توسعه تصویب شد که در ضمن آن حتی با عموم و اطلاقی بیش از تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری این حق متهمان مضیق شده و حتی این تضییق، دامنه بیشتری نیز پیدا کرد.» کشاورز یادآور شد: «در بسیاری از موارد متهمان پس از حضور در دادگاه برای رسیدگی ماهوی اقاریر و گفته های خود در مرحله تحقیق با این عنوان که تحت فشارهای جسمی و روحی و در شرایط غیرطبیعی و غیرعادی اخذ شده، انکار می کنند و چون درست و راست بودن این ادعاها به هر حال محتمل است اعتبار کل مرحله تحقیق مخدوش می شود بنابراین در این که حضور وکیل در مرحله تحقیق هم به نفع مردم است و هم به نفع قوه قضائیه تردیدی نیست.» رئیس کانون وکلا افزود: «در مورد یک متهم لزوماً دوران امر بین برائت و محکومیت یا نفی و اثبات نیست، بلکه از یک متهم به اشکال مختلف می توان دفاع کرد و تخصص و تبحر وکیل نیز در همین است.»

